

هومن جعفری



خودم! بدبخت تحریریه! توسری خور تحریریه. طنز بنویسی که مطالبش را کار نمی کنند. از دار دنیا یک دانه ستون طنز داشتم که به مناسبت ورود ظفر مندانہ ی علی عالی، جلوی پایش سربریدند. ستون من شده کلفت کفگیر خورده ی تحریریه! یک روز بالای صفحه است. یک روز پایین صفحه. یک روز کار می شود. یک روز کار نمی شود. راستی برای آن هایی که از سال ها قبل من را دنبال می کنند، من همانی هستم که دولت قبلی با مالیاتی که از حق التحریرم برمی داشت، میمون به فضا فرستاد!

وصال روحانی



سوال متخصصین امر این است که اول موسسه ی ایران راه افتاد و وصال به آن پیوست، یا این که موسسه ی ایران به تملک ایشان درآمد. قدیمی ساختمان. چشم و چراغ تحریریه. تمام حوادث تاریخی یک صد سال اخیر را به چشم دیده. حادثه ی ترور ولیعهد اتریش بود که به جنگ جهانی اول انجامید؟ ایشان آن جا حضور داشت! ترور کندی؟ حضور داشت! تخریب دیوار برلین؟ حضور داشت! معاهده ی صلح ورسای؟ حضور داشت. رفیق بی کلک. تاریخ شفاهی رسانه های ورزشی ایران و رسانه های سیاسی جهان. کار درست. دوست داریم سالار.

آرمن ساروخانیان



خارجی تحریریه ی ما آرمن است. خوش اخلاق، مهربان، همراه با دلی سرشار از عشق به بچه های تحریریه. یک مدت وظیفه سازمانی اش این بود که دقش بدهم و طنزیم را برایش آخر وقت بفرستم که حسابی دق کند که حسابی هم انجام وظیفه کردم. در دنیای موازی، آرمن ساروخانیان خبرنگار لوموند یا بی بی سی یا گازه دلا اسپورته در ایران است و ما از دور با انگشت نشانش می دهیم و می گوییم: اینو می بینی؟ به یورو حقوق می گیره!

ناصر قراگزلو



بزرگ خاندان قراگزلوها در ایران ورزشی. کافی است نام یک بازیکن، مربی، مدیر یا هر موجودی زنده ای را به زبان بیابوری تا یک ربع دیگر فایل مصاحبه ای اختصاصی آن موجود زنده در سیستم ویراستاری آماده صفحه آرایی شود. آقا ناصر نه تنها بزرگ خاندان قراگزلوها در ایران ورزشی است با کمی تخفیف و به روایتی بزرگ خاندان تحریریه نیز هست. همیشه آرام و دوست داشتنی. خیلی هم مخلصیم.

فرشاد کاس نژاد



اخموی تحریریه. برنده ی جایزه ی اخم طلایی سال. روشنفکر نمای تحریریه. با همه چیز و همه کس مخالف است. اگر مطالب او را بخوانید، متوجه می شوید که در همه ی ایران فقط اوست که می فهمد. بد اخلاق، بداخم و به شدت رشتی. عضو هیئت امنای تاکسی خط رشت-ایران ورزشی! از همان روزی که در بچگی یکی پفکش را دزدید، به جامعه بی اعتماد شد! نتیجه ی این بی اعتمادی را می شود در مطالبی که می نویسد مشاهده کنید.

سعید آقایی



خوش اخم. بد جذبه. مرد باید خشن باشه کچل و بد اخلاق! هم فوتبال می نویسد، هم منهای فوتبال. درکل فوتبال و منهای فوتبال ایران در دست ایشان عین موم است! یکی از بداخلاق های تحریریه. هر روز با من دعوا دارد که چرا ستونم را دیر تحویل می دهم. یعنی چه؟ حالا من دیر تحویل می دهم، تو چرا به روی من می آوری؟

بهناز میرمطهریان



از صبح علی الطلوع تا آخر شب مشغول کارهای مدیریتی است. حوزه اش، حوزه ی مدیریتی است و در نتیجه کارهای دیگر را انجام نمی دهد. به عنوان مثال شما بگو خبر بنویسد. نمی نویسد. گزارش؟ نمی نویسد. مطلب؟ هیچ! فقط منتظر است لیست حقوق ها را بدهند امضا کند یا با درخواست مرخصی بچه ها موافقت کند. دلیلش هم البته این است که خبرنگار حوزه ی مدیریتی است. فقط کارهای مدیریتی می کند. تازه شنیدم درخواست اضافه حقوق هم دارد!

همه ی قبیله ی

رسول مجیدی



از اینفلوئنسرهای فضای مجازی در ایران ورزشی. با در نظر گرفتن میزان شهرت و فالوور و فعالیت در فضای مجازی، یک جورهایی «مستر تیستر» ایران ورزشی است. کشت خودش را با فالوورهایش! باشه بابا تو معروفی! ما رو زن! یکی از اعضای هیئت امنای خطی ایران ورزشی-صداوسیما در کنار احسان محمدی.

اکبر منتشلو



می خواستم سر شوخی را با آقای منتشلو باز کنم، بچه ها پیغام دادند که نکن. خطرناک است! به نظر می رسد میزان جذبه ی ایشان از میزان جگر بچه های تحریریه بیش تر است، در نتیجه شوخی نمی کنیم. فقط اشاره می کنیم که اخم ایشان یکی از اخم های طلایی تحریریه است. هروقت اخم می کند یکی از شیشه ها ترک می خورد. به همین خاطر است هر وقت وارد تحریریه ایران ورزشی می شوم، می بینم عین خانه خانم هاویشام تاریک است! بچه ها از ترس شکسته شدن شیشه، پرده ها را می کشند!

احسان محمدی



دکتر پرسپولیسی. کاربلد دوست داشتنی. همه ی قبیله ی ایران ورزشی. در کنار رسول مجیدی، عضو هیئت امنای خطی ایران ورزشی-صداوسیماست. باادب، باکلاس و همه فن حریف. قاعدتا باید استقلالی می شد ولی گل بی خار خداست. دکتری قشنگ قشنگ حرف زدن با تکه کلام چریک اینستاگرامی. در کنار من و رسول مجیدی، مثلث اینفلوئنسرهای ایران ورزشی در فضای مجازی را تشکیل می دهد. یاد فرهنگستان فوتبال به خیر برادر!

مجتبی رفیعی



دستیار سردبیر در امور فنی. متواری شده به خاطر کرونا. از وقتی اولین بیمار در چین به کرونا مبتلا شد، تحریریه ی ایران ورزشی را ترک کرد و تا امروز خبری از او نیست. تلاش برای یافتن نام برده ادامه دارد. اگر او را پیدا کردید به صندوق پست بپندازید.

سامان موحدی راد



رفیق فضای مجازی. سفرگرد. ایرانگرد. منتفر از خانه نشینی. فعال فضای مجازی و حقیقی. طنز و جدی اش به یک اندازه خوب است. استقلالی درجه یک. کار درست. این کاره. نویسنده ی مطالب مختلف در مورد سوژه های مختلف در رسانه های مختلف.

اشکان نعمت پور



بزن بهادر تحریریه. هیکل ندارد اما تا دل تان بخواهد بوکس نگاه می کند. دست دادن مدل مشت زدنی کرونایی را ایشان بود که از سال ها قبل راه انداخت. الانش را نگاه نکنید. یک روز عین کارتون ملوان زبل، اسفناج هایش را می خورد و همه مان را می زند. شانس آوردم من دورارم.

حسین قهار



مردی از قبیله ی حاشیه. این خبرنگارهای تلویزیونی که در فیلم خارجی ها می بینید که همیشه دنبال به راه انداختن یک آتشی هستند؟ خود ایشان است! سلطان حاشیه. آماده برای دعوا راه انداختن. پرسپولیسی بالفطره. دوست داشتنی از راه دور. گزارش های جنجالی.